

## ارزیابی انتقادی رویکردهای موجود در هستی‌شناسی پول؛ ارائه یک تفسیر بدیل

دکتر حسن سبحانی<sup>۱</sup>

حسین درودیان<sup>۲</sup>

### چکیده

شناخت چیستی پول به جهت اهمیت نهاد پول در اقتصاد متعارف و دلالت‌های آن در صدور احکام فقهی همواره یکی از دغدغه‌های نظریه‌پردازان اقتصاد اسلامی بوده است. ادبیات موضوع هستی‌شناسی پول (در غرب) عمدتاً مربوط است به مجادلات دو رویکرد موسوم به «نظریه کالایی» و «نظریه اعتباری» پول در باب ماهیت پول، ارزش پول و کارکرد محوری آن. نظریه کالایی، پول را کالایی مشابه دیگر کالاها با تفاوت در برخی خصوصیات می‌پندارد و ارزش آن را به ارزش کالایی آن (یا ارزش کالایی پشتوانه آن) بازمی‌گرداند و بر کارکرد «واسطه مبادله» تأکید دارد. نظریه اعتباری، پول را «نمایشگری انتزاعی از ارزش» و یک «مطالبه از جامعه» یا «تعهد به پرداخت بین انسانها» می‌داند که ارزش آن متوقف بر روابط اجتماعی است و بر نقش پول به عنوان «واحد محاسبه ارزش» اصرار دارد. در مطالعات اقتصاد اسلامی نیز نظریه‌پردازی‌هایی در باب چیستی پول وجود دارد که واجد نقاط قوت و البته کاستی‌هایی است که برخی از این کاستی‌ها مشابه ضعف‌های موجود در دو نظریه کالایی و اعتباری است. ما در ارائه فهمی از پول با تأکید بر وجه اعتباری آن، با این ادعا که نظریه کالایی فاقد توان کافی در تبیین پول بوده و تعاریف مورد اشاره در کلام نظریه‌پردازان اعتباری هم دچار عدم یکدستی و دوگانگی است، بر تفکیک دو سطح تلقی از پول تأکید کرده؛ پول را در معنای جوهری همان «معیاری انتزاعی از ارزش» یا «مفهومی برای اندازه‌گیری ارزش‌ها» دانسته و تعریف پول در فهم صحیح عرفی را «نشانگری از طلبی معتبر به سبب مقبولیت ناشی از اعتبار ناشر» معرفی کرده‌ایم. این تفکیک بین دو سطح تلقی از پول، مهمترین نقص موجود در تعاریف ارائه شده از پول در نظریه اعتباری را رفع می‌کند.

واژگان کلیدی: پول، هستی‌شناسی، نظریه کالایی، نظریه اعتباری

طبقه بندی JEL: E12, E42, N10

<sup>۱</sup>. استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

<sup>۲</sup>. دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه تهران و پژوهشگر مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین

## ۱- مقدمه

هستی‌شناسی پول، یکی از مهمترین موضوعات مورد بحث در ادبیات مباحث پولی بوده و سنت‌های رقیب فکری در غرب مجادله‌ای اساسی در باب محورهای مندرج در مباحث هستی‌شناسانه پولی دارند. اما شناخت ماهیت پول در حوزه مطالعات اقتصاد اسلامی نیز موضوعی شناخته شده و دارای ادبیات است. شناخت صحیح پول کنونی به مثابه یک نهاد مدرن، مقدمه‌ای کلیدی برای ورود به حوزه اصلاحات پولی در جهت اهداف مطلوب اقتصاد اسلامی است، چنانکه موضوع‌شناسی صحیح در خصوص تمامی پدیده‌های مدرن از منظر رویکرد انتقادی و اصلاح‌جویانه چارچوب برگرفته از دین اسلام، امری حائز اهمیت است. به علاوه، بررسی چپستی پول دارای دلالت‌هایی در صدور احکام فقهی مربوطه است. مسائلی نظیر قابلیت خرید و فروش پول‌های کنونی (صدق ربای معاملی)، جبران کاهش ارزش پول، صدق شروط باب صرف و نظایر آن متوقف است بر مشخص شدن ماهیت پول‌های کنونی (توسلی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۴).

البته اقتصاددانان و کتب متعارف اقتصاد توجه کمی به مقوله چپستی پول نشان داده‌اند احتمالاً به این علت که آنچه برای آنها بیشتر حائز اهمیت است، کارکرد این پدیده است. اینکه چرا کارکردهای یک پدیده به جای ماهیت آن مورد توجه ما قرار می‌گیرد به ساختار واقعیت‌های اجتماعی<sup>۱</sup> بازمی‌گردد. ما در فضایی پرورش می‌یابیم که این واقعیت‌ها برای ما مسلم فرض شده است. پدیده‌هایی مثل دانشگاه، ماشین، مدرسه و پول از سوی ما استفاده شده و چنان برای ما طبیعی به نظر می‌رسند که کوه و درخت و دریا (واقعیت‌های طبیعی<sup>۲</sup>). واقعیت‌های اجتماعی توسط ما برای حصول اهدافی خلق شده و برای ما در ارتباط با همان کارکردها قابل درک است. همینکه از کارکرد آنها عبور کنیم، با یک وظیفه فکری سخت مواجه می‌شویم: شناخت آنها بر حسب خصوصیات ماهوی بدون ارجاع به منافع و اهداف آنها (سرل، ۱۹۹۵م، ص ۴).

مرور جامع ادبیات موضوع حاکی از وجود دیدگاه‌های رقیب در پاسخگویی به پرسش‌های هستی‌شناسانه از پول است. ما به وضوح با دو سنت یا رویکرد فکری در پاسخگویی به سؤالات هستی‌شناختی در زمینه پول روبه‌رو هستیم که در یک بیان کلی این دو پایگاه فکری را با عنوان «نظریه کالایی» و «نظریه اعتباری» از هم متمایز می‌کنیم<sup>۳</sup>. مهمترین محورهای مورد

۱. Social Facts

۲. Brute Facts

۳. در ادبیات موضوع تفکیک «فلزگرایی» (Metalism) و «چارتالیسم» (Chartalism) مرسوم و پرکاربرد است که بیانی دیگر از همین موضوع است.

اختلاف بین این دو رویکرد که می‌توان آنها را مسائل اصلی در هستی‌شناسی پول معرفی کرد عبارتند از چیستی پول (بما هو پول)، منشأ ارزش پول و شناسایی کارکرد اصلی در بین کارکردهای پول. ارائه مقایسه‌ای موضع دو رویکرد رقیب می‌تواند روشی مفید جهت حصول شناختی دقیق از چیستی پول و احیاناً دستیابی به آورده نظری باشد. به زعم ما نظریه کالایی قادر به ارائه تبیینی متقن از چیستی پول نبوده، چنانکه تأمل در دیدگاه‌های نظریه اعتباری به خوبی ضعف‌های تبیین کالایی از پول را هویدا می‌سازد. با وجود این تعاریف ارائه شده در نظریه اعتباری نیز بعضاً متفاوت و ناهمگن است و نمی‌توان آنها را تبیینی از یک امر واحد دانست. تلاش ما در این مقاله، شفاف کردن این ناهمگنی و ارائه دو سطح متفاوت از فهم پول است که عدم‌همگنی مذکور را برطرف خواهد ساخت.

برخی اندیشمندان فعال در حوزه اقتصاد اسلامی در کشور نیز تلاش‌هایی مغتنم جهت ارائه شناختی از چیستی پول صورت داده‌اند که چکیده‌ای از مهمترین آنها نیز مورد تقریر و نقد قرار خواهد گرفت.

## ۲- نظریه کالایی پول

تبیین کالایی از پول که بعضاً در ادبیات موضوع از آن با عنوان «فلزگرایی»<sup>۱</sup> یاد می‌شود، توضیحی در باب پول است که مورد علاقه لیبرال‌های اقتصادی- اعم از لیبرال‌های کلاسیک و متأخر (مکتب اتریش)- بوده و نظریه متعارف اقتصاد نیز عمدتاً در چارچوب لوازم آن می‌اندیشد. همانطور که ذکر شد این نظریه در باب پول را در قالب این محورها معرفی خواهیم کرد: ماهیت پول، ارزش پول، کارکرد اصلی پول.

## ۲-۱- ماهیت پول

نظریه کالایی به بیان ساده پول را کالایی مشابه دیگر کالاها می‌بیند که تنها به سبب دارا بودن خصوصیتی، تحت تحولات تاریخی بدل به واسطه مبادله شده است. برای این نظریه، پول به این علت قادر است نقش واسطه مبادله را ایفا کند که خود کالایی قابل مبادله است. کالایی بودن پول دارای دو صورت یا سطح است: پول یا خود یک کالای خاص است؛ یا رسیدی است که نماینده یک پشتوانه کالایی است. بازتاب این رویکرد در نظریه متعارف اقتصادی در مدل تعادل عمومی والراس مشهود است که در آن  $n$  امین کالا به عنوان شمارنده<sup>۲</sup> در نظر

1 . Metalism

2 . Numeraire

گرفته می‌شود. اگرچه والراس با انتخاب عنوان «شمارنده» برای پول به نظر می‌رسد یک گام به تبیین‌های دگراندیش در باب پول نزدیک شده است، اما با بیان اینکه «معیار ما از ارزش باید کمیتی مشخص از یک کالای داده شده باشد» (والراس، ۱۹۵۴م، ص ۱۸۸)، صراحتاً پول را در ردیف دیگر کالاها قرار می‌دهد. به بیان هیکس «هر یک از  $n-1$  کالای دیگر هم می‌توانست شمارنده [پول] در نظر گرفته شود» (هیکس، ۱۹۶۷م، ص ۳). البته تصریحاتی در جهت تلقی کالایی از پول نیز در بین اقتصاددانان قابل جستجو است از جمله فیشر معتقد است «هر کالایی که پول نامیده می‌شود باید بطور عام در مبادلات مورد پذیرش قرار گیرد، و هر کالایی که بطور عام در مبادلات مورد پذیرش است باید پول نامیده شود» (فیشر، ۱۹۳۱م، ص ۲) (تأکید اضافه شده است). ریکاردو با پیشگامی در این عرصه بر صحت و لزوم شیئیت فیزیکی پول تأکید می‌ورزد: «هیچ معیار خطاناپذیری از طول، زمان، وزن و ارزش نمی‌تواند وجود داشته باشد مگر آنکه شیئی در طبیعت باشد که آن استاندارد را بتوان بدان ارجاع داد (به نقل از اینگهام، ۲۰۰۴م، ص ۱۵).

## ۲-۲- ارزش پول

در مورد «ارزش پول» باید به یک نکته ظریف توجه کرد و آن تفکیک دو معنا یا دو سطح متفاوت از این موضوع است. یک معنا از ارزش پول ناظر بر قدرت خرید آن در نسبت با سایر کالاها و خدمات است که مباحث مربوط به تورم و کاهش ارزش پول در این حوزه قرار می‌گیرد. اما معنای دوم مربوط به «ارزش‌مندی» یا «پذیرفتگی» پول است. در اینجا منظور ما از «ارزش پول» در واقع همان «پذیرفتگی» یا «ارزش‌مندی» است و از این‌رو ارتباطی به بحث‌های مربوط به تغییر سطح قیمت‌ها و نرخ ارز نمی‌یابد. پرسش اصلی در اینجا این است که «چرا افراد پول را در مبادلات پذیرفته و حاضر می‌شوند در ازای دریافت آن کالا و خدمت واگذار کنند».

نظریه کالایی ارزش پول را به ارزش ذاتی کالایی که به عنوان واسطه مبادله به کار می‌رود، منتسب می‌سازد. در حقیقت استفاده پولی از یک کالا در نهایت به استفاده غیرپولی آن منتسب می‌شود (هالزمن، ۲۰۰۸م، ص ۲۳). علاوه بر اقتصاددانان مکتب اتریش و دیگر اقتصاددانان بزرگی که در عصر حاکمیت استاندارد طلا تنفس می‌کرده‌اند، مارکس و پیروان او نیز تمام‌قد از نظریه کالایی پول دفاع می‌کنند. این موضع مارکس به‌طور ساده از دلالت‌های پایبندی وی به نظریه ارزش مبتنی بر نیروی کار است. مارکس ظهور طلا به عنوان پول را ناشی از آن می‌داند که پیشتر به عنوان کالایی دارای ارزش تلقی شده و کار و کوشش در

معدنکاری و ضربایی، به آن ارزش می‌بخشد (مارکس، ۱۹۷۶م، در اینگهام، ۲۰۰۴، ص ۶۱). ناسازگاری این نظریه با واقعیت‌های پولی متأخر که در آن پول از هیچ پشتوانه کالایی برخوردار نیست واکنش‌هایی در بین نظریه‌پردازان کالایی برانگیخته است. از جمله هالزمن (۲۰۰۸) در دفاع از این دیدگاه و برای علت عدم صدق آن با پول اعتباری رایج، پذیرفتگی پول جدید را به سادگی ناشی از «نیروی پلیسی<sup>۱</sup>» و تهدید مردم به پذیرش آن معرفی می‌کند.

### ۲-۳- کارکرد محوری

طبق سنت غالب، سه کارکرد پول به عنوان «واسطه مبادله<sup>۲</sup>»، «واحد (محاسبه) ارزش<sup>۳</sup>» و «ذخیره ارزش<sup>۴</sup>» معرفی می‌شود. یک محور اختلافی مربوط به این موضوع است که کارکرد اصلی و قطعی پول کدامیک از اینهاست. با رجوع به شرح ارائه شده توسط طرفداران نظریه کالایی در باب چگونگی پیدایش بازاری پول، به راحتی می‌توان فهمید که این نگرش بر نقش «واسطه مبادله» به عنوان کارکرد اصلی پول تأکید داشته و دو کارکرد دیگر را دارای اهمیت کمتر و دنباله‌رو نقش محوری واسطه مبادله تلقی می‌کند. تلقی رویکرد کالایی این است که در بازارهای تهاتری اولیه یک کالا (نقدشونده<sup>۵</sup>ترین یا خوش‌فروش‌ترین کالای بازار) تحت انگیزه‌های نفع‌طلبانه عاملان بطور خودجوش به «واسطه مبادله» تبدیل می‌شود و این، مفهوم اولیه پول است.

### ۳- نظریه اعتباری پول

نظریه موسوم به «اعتباری» در واکنش به عدم انطباق تبیین نظریه کالایی با واقعیات پولی در قرن بیستم شکل گرفت، زمانی که پول دیگر نه تنها ظاهر کالایی (طلا و نقره) را از دست داد، بلکه حتی رسیدی دال بر مطالبه از یک پشتوانه کالایی نیز به حساب نمی‌آمد. این موضوع سبب جلب عمیق‌تر توجهات به مقوله چిستی پول شد و مسائل مربوط به هستی‌شناسی پول را در چشم محققان، پررنگ و حل‌نشده جلوه داد. به نظر می‌رسد این نظریه فهمی کم‌اشتباه‌تر از چيستی پول ارائه کرده است.

<sup>1</sup> . Police Power

<sup>2</sup> . Medium of Exchange

<sup>3</sup> . Unit of Account

<sup>4</sup> . Store of Value

<sup>5</sup> . Salable

### ۳-۱- ماهیت پول

نظریه اعتباری در تلاش جهت تبیین چیستی پول بر ایده‌ای متکی است که گامی بلند در شناخت دقیق از پول محسوب می‌شود: «تفکیک بین پول و عینیتی که کارکرد پولی بر آن وضع شده است (ماده پولی)»<sup>۱</sup>. گئورگ زیمل<sup>۲</sup> (۱۹۱۸-۱۸۵۸) جامعه‌شناس شهیر آلمانی احتمالاً پیشگام تشخیص این نکته کلیدی بوده است. وی با تأکید بر لزوم تمییز ماهیت پول و ماده‌ای که برای ایفای بهتر نقش پولی به کار گرفته می‌شود، خاطرنشان می‌کند «تا آنجا که حقیقت خالص پول مورد توجه است، پول باید کاملاً منفک از خصوصیات ثانوی که آن را در برابر کالاهای دیگر قرار می‌دهد تفسیر شود» (زیمل، ۱۹۷۸ (۱۹۰۰م)، ص ۱۲۴). به گمان او ماده فیزیکی پول آن را بهتر قادر می‌کند تا در بین دیگر کالاها کارکرد خود را ایفا کند اما جوهره پول ماده فیزیکی ملموس نیست. در اوج حاکمیت استاندارد طلا، زیمل با صراحتی پیش‌گویانه وعده می‌دهد که «روزی پیشرفت تکنولوژی پول را از شکل فیزیکی آن آزاد می‌کند. آنگاه حقیقت پول به عنوان یک پدیده اجتماعی و نه شیئی فیزیکی آشکار خواهد شد» (همان، ص ۱۶۵). مایکل اینس<sup>۳</sup> نیز از پیشگامان ارائه این شناخت از پول بود که متذکر شد «چشم‌ها هرگز یک دلار را ندیده و دست‌ها آن را لمس نکرده‌اند» (اینس، ۱۹۱۳م، ص ۵۵).

این فراست، زیمل را قادر ساخت تا عباراتی درخور در بیان چیستی پول ارائه کند که مهترین آنها به این شرح‌اند: «پول نمایشگر ارزش انتزاعی<sup>۴</sup> است»؛ «ارزش اشیاست به دور از خود آنها» (همان، ص ۱۲۰) «قابلیت مبادله خالص اشیاست»<sup>۵</sup> و همچنین این تعریف که «پول طلبی از جامعه است<sup>۶</sup> ... پول حواله‌ای است که نام تأدیه‌کننده از آن حذف شده است» (همان، ص ۱۷۷). از اینجا می‌توان دریافت که ایده شومپتر (۱۹۵۴) مبنی بر این که دارنده پول، طلبکار کالا است و پول مطالبه‌ای از تولید اجتماعی است، الهام‌گرفته از زیمل بوده است.

«جفری اینگهام»<sup>۷</sup> جامعه‌شناس اقتصادی متأخر انگلیسی نیز در خصوص ماهیت پول بر این اصرار دارد که «پول یک رابطه اجتماعی است»<sup>۸</sup>. عصاره دیدگاه او در باب ماهیت پول این است که پول باید به مثابه یک مطالبه<sup>۹</sup> یا اعتبار<sup>۱۰</sup> فهم شود<sup>۱</sup> که بوسیله روابط اجتماعی خاصی،

1 . Money Stuff

2 . Georg Simmel

3 . Michael Innes

4 . Representative of Abstract Value

5 . Distilled exchangeability of the Objects

6 . Money is a Claim upon Society

7 . Jeffrey Ingham

8 . Money is a Social Relation

9 . Claim

10 . Credit

مستقل از تولید کالا و خدمات، موجودیت می‌یابد. پول صرف‌نظر از مظاهر گوناگون آن، ذاتاً یک «تعهد به پرداخت»<sup>۲</sup> بین انسانها و نه چیزی بیش از آن است. پول رابطه‌ای از اعتبار و بدهی است که بر حسب یک «پول محاسباتی»<sup>۳</sup> تعیین و بیان می‌گردد. او تعاریف دیگری نیز از پول دارد از جمله اینکه «پول قدرت خرید انتزاعی است»<sup>۴</sup> (اینگهام، ۲۰۰۴، ص ۵۷) یا «پول فی‌نفسه ارزش است»<sup>۵</sup> (همان، ص ۶۱).

از ادعاهای مهم طرفداران نظریه اعتباری در باب ماهیت پول عدم تفاوت ماهوی بین پول‌های فلزی (طلا و نقره) و پول مدرن است. به عقیده این گروه حتی مسکوکات فلزات گرانبها که در دوره‌ای طولانی از حیات ملل به عنوان پول رایج در جوامع در جریان بوده هم چیزی فراتر از «تعهد به پرداخت» معتبری بین انسانها نبوده است. احتمالاً باز هم زیمیل پیشگام این ادعا بوده است. وی مدعی می‌شود پول فلزی، که معمولاً به عنوان نقطه مقابل پول اعتباری در نظر گرفته می‌شود، دارای خصوصیتی مشابه دیگر روابط اعتباری است. اینکه جوهره فلزی مسکوکات (از حیث خلوص) در مبادلات روزمره قابل راستی‌آزمایی نیست و مهر ضرب شده توسط مرجع قدرت روی آن این ریسک را برطرف می‌کند و اینکه افراد باید به آن «اعتماد» کنند، پرده از ماهیت اعتباری پول‌های فلزی برمی‌دارد. اینگهام در این خصوص تأکید خاصی بر رواج پول‌های فلزی در عین «کاهش ارزش»<sup>۶</sup> آن توسط قدرت ناشر و واردآوردن انواع خراش‌ها و آسیب‌ها به مسکوکات دارد که هیچیک آنها را از چرخه اقتصادی خارج نمی‌کرد. همچنین اشاره گودهارت به بی‌اعتبار شدن مسکوکات حکومت‌های روبه‌زوال نیز در همین راستاست (گودهارت، ۱۹۹۸م، ص ۴۱۴). تبیین مشترک از ماهیت پول‌های فلزی قدیمی و پول‌های بدون پشتوانه<sup>۷</sup> امروزی از آورده‌های مهم نظریه اعتباری محسوب می‌شود.

### ۳-۲- ارزش پول

همانطور که پیشتر ذکر شد، بحث در باب ارزش پول متوجه ارزش‌مندی (پذیرفتگی) پول است و نه قدرت خرید آن. امروزه پذیرش پولی بدون پشتوانه و ردوبدل شدن نمایشگرهای

<sup>۱</sup> . «مطالبه» و «اعتبار» دو روی یک سکه هستند و تنها تفاوت آنها به این بازمی‌گردد که از زاویه دید کدام طرف مبادله پولی بدان نگریسته شود.

<sup>۲</sup> . Promise to Pay

<sup>۳</sup> . Money of Account: درباره این مفهوم در ادامه توضیح داده خواهد شد.

<sup>۴</sup> . Money is Abstract Purchasing Power

<sup>۵</sup> . Money is Value in itself

<sup>۶</sup> . Debasement: به معنای کاهش دادن محتوای طلا و نقره در مسکوکات (از طریق التقاط آن با یک آلیاژ کم‌ارزش) یا درج مبلغ اسمی بالاتر روی سکه‌ای با همان محتوای قبلی طلا و نقره است.

<sup>۷</sup> . Fiat Money

عددی بی‌ارزش در حسابهای بانکی توسط افراد بدون هراس از فقدان ارزش کالایی، فضا را برای شرح نظریه اعتباری از ارزش پول باز کرده است. در تشریح چرایی ارزش‌مندی پول در بین صاحب‌نظران این گروه تعابیر مختلفی دیده می‌شود که اگرچه در برخی موارد با هم مغایر (و نه لزوماً متباین) است، لیکن همگی در این خصوصیت اشتراک دارند که: «پول دارای ارزشی اعتباری صرف‌نظر از ارزش کالایی آن است؛ پول پدیده‌ای اجتماعی (و نه اقتصادی) است که اعتبار و تأیید ناشر در پذیرفتگی آن نقشی مهم بازی می‌کند». زیمل ارزش پول را متکی به «اطمینان دریافت‌کننده به اینکه قادر خواهد بود مقدار مشخصی کالا در مبادله بدست آورد» دانست (لاو و اسمیتین، ۲۰۰۲، ص ۱۳). در واقع این بیان از ارزش پول، «پذیرفتگی عمومی» را عامل ارزش پول معرفی می‌کند. برخی صاحب‌نظران اعتباری مایل‌اند برای تشریح علت ارزش‌مندی پول آن را به «ژتون<sup>۱</sup>» تشبیه کنند. ارزش (پذیرفتگی) ژتون به این بازمی‌گردد که می‌توان با ارائه آن کالا و خدمت دریافت کرد. همین تعبیر ژتونی از پول وجه تسمیه واژه چارتالیزم (از ریشه لاتین Charta به معنای ژتون یا بلیط) بوده است که برای اشاره به نظریه‌پردازان اعتباری به کار رفته است.

این ایده که «پول مشابه یک ژتون است که پذیرفتگی آن توسط یک فرد به اطمینان به پذیرش آن از سوی دیگران بازمی‌گردد» تبیینی صحیح از علت پذیرفتگی پول توسط افراد در رفتار روزمره ارائه می‌کند، اما این نمی‌تواند تمام مطلب در باب ارزش‌مندی پول باشد چرا که همین پذیرفتگی عمومی باید متکی به مبنایی باشد. به عبارت دیگر اگر گفته شود «یک فرد پول را می‌پذیرد به این دلیل که دیگران نیز از او خواهند پذیرفت» باز سؤال می‌شود که «دیگران چرا چنین می‌کنند؟». اینجاست که اشاره مؤکد نظریه اعتباری به سوی نهاد «قدرت» معطوف می‌گردد. کینز در اثر مهم خود یعنی «رساله‌ای در باب پول<sup>۲</sup>»، پول را منحصرأ مخلوق دولت معرفی کرد (کینز، ۱۹۳۰م، ص ۴). زیمل (۱۹۰۰) نیز ارزش پول را مبتنی بر تضمینی می‌دانست که بوسیله قدرت سیاسی مرکزی بدان داده می‌شود (زیمل، ۱۹۷۸) (۱۹۰۰م، ص ۱۹۷). به زعم اینگهام از آنجا که ماهیت پول چیزی جز یک تعهد (قول) نیست، لذا مسئله «اعتماد<sup>۳</sup>» در مورد پول بسیار کلیدی است. اما در مورد پول مسئله اعتماد با دیگر مبادلات، که مبتنی بر اعتماد شخصی است، متفاوت است زیرا اهمیت پول در این است که مشکل اعتماد را در بازارهای بزرگ و بین طرف‌های بی‌شمار بوسیله اتکا به یک مشروعیت قانونی<sup>۴</sup> سیاسی و

<sup>۱</sup> . Token

<sup>۲</sup> . A Treatise on Money

<sup>۳</sup> . Trust

<sup>۴</sup> . Legitimacy



اجتماعی حل می‌کند و به عاملان اجازه می‌دهد بدون نگرانی وارد روابط پیچیده چندجانبه شوند. مبتنی بر تعریف پول به عنوان یک «تعهد به پرداخت»، او معتبر بودن این تعهد را به سبب اتکا به نهاد قدرتی می‌داند که قوه قهریه را در اختیار دارد. به این ترتیب او در نهایت، منشأ ارزش پول را در انحصار دولت در اعمال قدرت فیزیکی جستجو می‌کند (اینگهام، ۲۰۰۴م، ص ۷۴).

نظریه اعتباری در مورد ارزش پول نیز هیچ تفاوتی بین پول مدرن و پیشامدرن قائل نیست و همه انواع پول را دارای ارزش اعتباری می‌داند. پول فلزی هم چیزی جز یک تعهد به پرداخت که متضمن رابطه‌ای بین دارنده و فروشنده است نبود: ادعای اولی برای اکتساب یک کالا یا خدمت و اعتماد دومی به اینکه سند دال بر طلب بوجود آمده ناشی از این مبادله مورد پذیرش دیگران قرار خواهد گرفت (همان، ۱۹۹۶م، ص ۱۱۶). لذا انتقال از پول فلزی به پول کاغذی، رخدادی که از دید نظریه فلزگرا تحولی بنیادین محسوب می‌شود، برای نظریه اعتباری امری محتمل و طبیعی بوده و به سادگی قابل تبیین است.

یکی از ایده‌های خاص و پربحث که عنوان چارنالیست نوعاً برای معتقدان به این ایده به کار می‌رود، برقراری ارتباط بین پذیرفتگی پول و مالیات‌ستانی است. نپ پیشگام طرح این ایده بوده و سپس اینس، اینگهام، ری و دیگران از این ایده پشتیبانی کرده‌اند. بر اساس این ایده، ارزش پول از این حقیقت می‌آید که مردم برای پرداخت مالیات به دولت نیاز به اکتساب پول منتشر شده توسط وی دارند، زیرا دولت تأدیة بدهی مالیاتی خود را تنها با دریافت پول منتشره توسط خود می‌پذیرد. بنابراین دولت به سبب قدرت مالیات‌گیری قادر است هر نوع ژتونی را به عنوان پول بر مردم تحمیل کند (ری، ۲۰۰۲م، ص ۵۲).

### ۳-۳- کارکرد محوری

در مقابل تأکید رویکرد کالایی بر نقش پول به عنوان «واسطه مبادله»، نظریه پردازان اعتباری کارکرد اصلی پول را ایفای نقش «شمارش ارزش» می‌دانند. با اندک تأملی می‌توان دریافت که تقدم نقش واسطه مبادله کاملاً در راستای تلقی کالایی از پول و چگونگی پیدایش آن از مبادلات بازاری است، این در حالی است که شناخت پول به عنوان یک وجود اعتباری و غیرملموس، موجب شده نظریه پردازان اعتباری «پولیت» را در نقش پول به عنوان «معیار انتزاعی ارزش» یا «واحد محاسبه» جستجو کنند. به نظر آنان تأکید بر نقش واسطه مبادله در نظریه رایج ناشی از خلط بین شکل خاصی از پول (ماده پولی) و جوهره انتزاعی پول است. اگرچه ایده اولیه این مطلب را باید در اثر نپ ((۱۹۰۵(۱۹۲۴) دنبال کرد، اما کینز (۱۹۳۰) در

الهام‌بخشی به اقتصاددانان پیرو خود در بسط این ایده تأثیری قابل توجه داشت. وی مفهوم اصلی و اولیه پول را «پول محاسباتی» معرفی کرده و در تعریف پول محاسباتی آن را همان چیزی می‌داند که بدهی و قیمت‌ها بر حسب آن بیان می‌شود. به عقیده اینگهام در بین کارکردهای پول آنچه قابل جایگزینی نیست، نقش پول به عنوان واحد محاسبه (پول محاسباتی) است. ممکن است در مقاطعی کالاهایی نقش واسطه مبادله را عهده‌دار شود؛ یا بعضی دارایی‌ها به خوبی از وظیفه ذخیره ارزش برآیند، اما نقش پول به عنوان واحد محاسبه جایگزین‌ناپذیر است. چندگانگی پول نشانگر این حقیقت است که پولیت در پول محاسباتی نهفته است؛ مفهوم واحدی به نام «دلار» در قالب اشکالی متعدد مانند سکه، اسکناس، چک و اثرات مغناطیسی در شبکه‌های کامپیوتری (پول بانکی) تجلی یافته است. از بین رفتن شکل مادی پول در مبادلات امروز که طی آن صرفاً اعدادی بین حسابها کم و زیاد می‌شود به خوبی ماهیت حقیقی پول که «بیان انتزاعی ارزش‌ها» (پول محاسباتی) است را نمایان می‌کند (اینگهام، ۲۰۰۴م، ص ۷۰).

جدول ۱: خلاصه دیدگاه‌های دو رویکرد رقیب در هستی‌شناسی پول

نظریه کالایی	نظریه اعتباری	
کالایی اقتصادی در بین سایر کالاها با تفاوت در برخی خصوصیات	نمایشگر انتزاعی ارزش؛ طلبی از جامعه؛ تعهد به پرداخت بین انسانها؛ موجودیتی اجتماعی (و نه اقتصادی)	ماهیت پول
ارزش کالایی ماده پول یا پشتوانه آن	ارزش اعتباری ناشی از پذیرفتگی عمومی به اتکای اعتبار ناشر	منشأ ارزش پول
واسطه مبادله	واحد محاسبه ارزش	کارکرد محوری پول

#### ۴- ارزیابی

مباحث مطرح‌شده در بیان دو رویکرد اصلی در مبحث ماهیت‌شناسی پول، توانست مواضع اصلی دو نظریه در باب اهم موضوعات هستی‌شناسانه پولی را روشن سازد. اکنون درصدد هستیم تا ارزیابی خود از مطالب عنوان‌شده را ارائه کنیم.

#### ۴-۱- قوت نظریه اعتباری در تبیین ماهیت پول

مطلب قابل ذکر اول، قوی‌تر و عمیق‌تر بودن شناخت نظریه پردازان اعتباری از چیستی پول است. بهترین نکات مورد اشاره در کلام طرفداران تلقی اعتباری عبارت است از جداسازی ماهیت پول از ماده پولی، تبیین پول به عنوان یک تعهد به پرداخت یا سندی بی‌نام دال بر مطالبه دارنده از تولید اجتماعی، تأکید بر جایگاه «قدرت» و «مشروعیت قانونی» در قوام‌یابی پول، و معرفی نقش پول به عنوان «بیانگری ارزش انتزاعی» (تأکید بر پول محاسباتی) به عنوان مفهوم اصلی پول. ارائه توضیح یکسان در باب ماهیت پول مدرن و پیشامدرن نیز از آورده‌های مهم این رویکرد است که تنها به اتکای آن می‌توان بسیاری از واقعیات تاریخ پولی نظیر تداوم رواج مسکوکات فلزی در عین کاهش ارزش پیوسته آن توسط حاکمان در جوامع مختلف را توضیح داد. نکته تکمیلی ما در این خصوص این است که استفاده از فلزات گرانبها به عنوان حامل مادی پول در ادوار گذشته به این علت بود که پذیرش عمومی محملی فاقد ارزش ذاتی برای پول بشر دشوار بود، حال آنکه به تدریج با ارتقای توان ذهنی و رشد قابلیت نهادسازی و نهادپذیری در جوامع انسانی، مفهوم پول بر اشیایی فاقد ارزش ذاتی بار شد.

#### ۴-۲- سازگاری نظریه اعتباری با تحولات متأخر پولی

تحلیل دقیق‌تر نظریه اعتباری از ماهیت پول موجب شده این نظریه قادر به توضیح وقایع پولی ادوار اخیر باشد. وقتی ماهیت پول، به مثابه اعتبار و معیاری از ارزش انتزاعی، شناخته و جنس پول در ایفای این کارکرد بی‌ارتباط تلقی شود، آنگاه درک تحول از پول فلزی به پول کاغذی و سپس پول الکترونیک آسان خواهد بود. این در حالی است که پذیرفتگی و رواج پول‌های کاغذی یا پول اعتباری بانکی در چارچوب نظریه کالایی مطلقاً غیر قابل توضیح است. دیگر تحول اخیر در نظام پولی از بین رفتن بُعد مادی و انجام مبادلات از طریق تغییر در اعداد حساب‌های بانکی است که به وضوح سازگار است با تأکید نظریه پردازان اعتباری بر اولویت و تقدم کارکرد «واحد محاسبه» در مقابل تقدم نقش «واسطه مبادله».

#### ۴-۳- دوگانگی تعاریف نظریه پردازان اعتباری از ماهیت پول

تأمل در تعاریف نظریه پردازان اعتباری نکته‌ای ظریف را برملا می‌سازد و آن این است که به نظر می‌رسد تعاریف آنها با یکدیگر قابل جمع نبوده و تعاریفی گوناگون از یک چیز واحد نیست. این تعاریف القاکننده دو معنا از پول است. یک دسته از این تعاریف از پول، آن را صرفاً یک «اسم» یا «معیار ارزش» می‌داند و دسته‌ای دیگر بر ماهیت آن به مثابه «اعتبار» یا «تعهد

به پرداخت» تأکید می‌کند. مثلاً اینگهام از یک‌سو پول را «ارزش فی‌نفسه» و «قدرت خرید انتزاعی» می‌داند اما از سوی دیگر آن را نوعی «تعهد به پرداخت» و رابطه‌ای بدهکار- بستانکار می‌داند که این دو تعبیر را نمی‌توان یکسان دانست. همین ابهام در کلام زیمل نیز مشاهده می‌شود جایی که او هم پول را «نمایشگر انتزاعی ارزش» یا «ارزش اشیا به دور از خود آنها» می‌داند و هم «طلبی از جامعه». به نظر نمی‌رسد این دو نوع تعابیر از چیستی پول با هم قابل جایگزینی باشد.

#### ۴-۴- دور از ذهن بودن ایده چارتالیست‌ها مبنی بر پذیرش پول به سبب مالیات‌ستانی

چنانکه گذشت چارتالیست‌ها بر این عقیده‌اند که پذیرفتگی پول ناشی از قدرت اخذ مالیات دولت است و به سبب آنکه دولت طلب مالیاتی خود را تنها با دریافت پول خود تسویه‌شده تلقی می‌کند، ژتون انتشار یافته بوسیله او معتبر می‌گردد. این ایده اگرچه ممکن است تبیینی صحیح از علت رواج پول در برخی ادوار و جوامع باشد، اما اصرار بر صدق آن در پول‌های امروزی جای تأمل دارد. این شرح به منزله آن است که چنانچه دولت‌های امروزی دست از وضع مالیات بکشند، دیگر اسکناس و مسکوک منتشرشده توسط آنها مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت! این ایده از سوی برخی اقتصاددانان از جمله ماسگریو<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) مورد انتقاد جدی قرار گرفته (ر.ک توسلی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۵۲) و حتی در درون طرفداران نظریه اعتباری نیز مخالفانی دارد که به این حقیقت اشاره کرده‌اند که در ادواری از تاریخ سیستم‌های پولی مناسبی وجود داشت بدون اینکه مالیات‌ستانی سهم مهمی در اقتصاد داشته باشد (پارگوئز و سکارسیا، ۲۰۰۲م، ص ۱۱۹)<sup>۲</sup>.

#### ۴-۵- کیفیت نقش دولت در ارزش‌دهی به پول

در تبیین ارزش پول در نظریه اعتباری متذکر شدیم که اینگهام (۲۰۰۲) منشأ ارزش پول را در اصل به انحصار دولت در اعمال زور منتسب می‌سازد. این بیان اینگهام ظاهراً با تعبیر

<sup>۱</sup> Musgrave

<sup>۲</sup> در اینجا باید متذکر شویم که برخی نویسندگان داخلی و خارجی با غفلت از تمایز دیدگاه‌های چارتالیست‌ها و سایر نظریه‌پردازان اعتباری، عنوان چارتالیست را برای کلیه باورمندان به نظریه اعتباری به کار برده‌اند، اما واقعیت آن است که التزام به اجزای مختلف نظریه اعتباری مستلزم پایبندی به ایده پیوند پذیرفتگی پول و مالیات‌ستانی نیست که انتقاد برخی نظریه‌پردازان اعتباری به این ایده بیانگر همین واقعیت است.

پیشین از هالزمن (۲۰۰۸) از ابتدای پذیرفتگی پول بر «نیروی پلیسی» مشابهت دارد. هالزمن در مواجهه با واقعیت رایج یعنی پذیرش عمومی پول بدون ارزش کالایی و پشتوانه و جهت توضیح علت عدم انطباق این واقعیات با تبیین کالایی مورد نظر او از پذیرفتگی پول بیان می‌دارد: «این پول [کاغذی] تنها زمانی که نیروی پلیس رقبای آن را سرکوب می‌کند مورد استفاده قرار می‌گیرد» (هالزمن، ۲۰۰۸م، ص ۳۲). اما واقعیت آن است که استفاده‌کنندگان پول کاغذی در استفاده از آن احساس تهدید از ناحیه برخورد پلیسی ندارند. آیا به واقع اگر امروزه دو مبادله‌کننده تصمیم بگیرند در مبادله خود مثلاً فلزات گرانبها را به عنوان واسطه مورد استفاده قرار دهند، با برخورد پلیسی دولت مواجه خواهند شد؟ به نظر می‌رسد منظور اینگهام از ابتدای ارزش پول بر قوه قهریه دولت را نمی‌توان از ظاهر آن به درستی درک کرد و باید در این خصوص توضیحی کلیدی ارائه کرد. واقعیت آن است که امکان‌پذیری بسیاری از رفتارهای جمعی متکی بر قوه قهریه دولت است. اگر ما به خرید بسیاری از محصولات غذایی مبادرت می‌کنیم، اطمینان به سلامت و صحت آنها تا حد زیادی به سبب اعتقاد به وجود قدرتی است که ناظر بر سلامت و کیفیت این محصولات است. تقریباً تمامی رفت‌وآمدها و حضور ما در اماکن عمومی متکی است بر اعتماد ما به وجود نظام قدرتی که تهدیدکنندگان امنیت و تعرض‌کنندگان به حریم دیگران را مورد پیگرد قرار می‌دهد. همین‌طور اگر ما در عین ناآگاهی و ناتوانی از تشخیص خلوص فلزات گرانبها (بویژه طلا)، اقدام به خرید آن در بازار می‌کنیم مبتنی بر این اطمینان است که قانون و نظام قدرت در صورت بروز تخلف از متضرر حمایت خواهد کرد. پس اگر دولت به عنوان دارنده قوه قهریه وجود نمی‌داشت، بسیاری از این مراودات ممکن نمی‌شد. در مورد پول هم چنین مطلبی صادق است و منظور اینگهام از تأثیر حق اعمال قدرت فیزیکی دولت در پذیرفتگی پول را باید همین دانست.

## ۵- مطالعات داخلی

نظریه‌پردازی در باب ماهیت پول در کشور بطور جالب توجهی منحصر به ادبیات اقتصاد اسلامی است که احتمالاً انگیزه اصلی ورود به این حوزه، موضوع‌شناسی صحیح پول برای کاربرد آن در مباحث فقهی بویژه بهره و ربا بوده است. یکی از نخستین آثار در این حوزه کتاب «پول در اقتصاد اسلامی» است که ایده اصلی نویسندگان آن در تبیین چیستی پول، منحصرساختن پول در مفهوم «ارزش مبادله‌ای» است. با علم به تفکیک بین ارزش مصرفی و مبادله‌ای، نویسندگان پول را چیزی می‌دانند که «ارزش مصرفی آن در ارزش مبادله‌ای آن است» (پول در اقتصاد اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۱۶). سه تعریف

آنها از پول عبارت است از «چیزی که بیانگر مالیت مال است»؛ «عین مالیت مال است» و «چیزی که بیانگر و حافظ ارزش مبادله‌ای خالص است» (همان، ۱۳۷۴، ص ۱۵). نکات هستی‌شناسانه دیگری نیز از سوی آنان مورد اشاره قرار گرفته از جمله «اینکه چیزی به عنوان پول مورد رغبت قرار می‌گیرد ... به این علت است که دارای خصوصیتی است که می‌تواند حافظ ارزش مبادله‌ای باشد؛ علت اینکه خراشیدن سکه‌ها در گذشته مورد توجه استفاده‌کنندگان قرار نمی‌گرفت این بود که استفاده‌کنندگان تنها به ارزش مبادله‌ای آن توجه داشتند» و «در طلا و نقره آنچه مردم را از حفظ ارزش مبادله‌ای مطمئن می‌کند خصوصیات ذاتی و در پول اعتباری قدرت و خوشنامی و اعتبار است» (همان، ۱۳۷۴، ص ۱۶-۱۴). در ارزیابی این مطالب به نکات زیر اشاره می‌کنیم:

- در تعاریف ارائه‌شده از سوی نویسندگان یک دوگانگی در تبیین پول قابل مشاهده است. پول ابتدا بصورت «چیزی که بیانگر مالیت مال است» و «چیزی که بیانگر و حافظ ارزش مبادله‌ای خالص است» تعریف شده، یعنی پول «چیزی» است که «بیانگر ارزش مبادله‌ای خالص بودن» بر آن حمل شده است یا ماهیت و جوهره پول چیزی است که صفت «دارا بودن ارزش مبادله‌ای» بر آن جوهره نهاده شده است؛ اما در جای دیگر پول «عین مالیت مال» تعریف شده، که این دو تعبیر غیر از یکدیگر هستند.

- تعریف پول به «عین مالیت مال» یا همان «ارزش مبادله‌ای صرف» خالی از عیب نیست زیرا در معنای متعارف، «پول بودن» مفهومی غیر از «ارزش مبادله‌ای بودن» است. زمانی که گفته می‌شود «الف»، «ب» است بدین معناست که این دو چیز هستند، حال آنکه آنچنان که عرف می‌فهمد «پول بودن» غیر از «ارزش مبادله‌ای» بودن است. این نقد بر تعریف اینگهام (۲۰۰۴) از پول نیز وارد است که پول را «فی‌نفسه ارزش<sup>۱</sup>» و «قدرت خرید انتزاعی<sup>۲</sup>» تعریف می‌کند.<sup>۳</sup>

- این بیان که «اینکه چیزی به عنوان پول مورد رغبت قرار می‌گیرد به این علت است که آن چیز دارای خصوصیتی است که می‌تواند حافظ ارزش مبادله‌ای باشد» شرح نظریه کالایی از پول شدن طلا و نقره است و لذا با کلیت ایده نویسندگان در تعارض. اگر پول شدن چیزی به سبب خصوصیات آن است، چگونه می‌توان پول بودن یک تکه کاغذ را توجیه کرد؟ واقعیت آن است که پول شدن چیزی نه به سبب خصوصیات ذاتی آن بلکه به سبب توافق ضمنی جمعی با منشأیت مرجع قدرت (دولت) در وضع کارکرد پولی بر آن شیء است.

<sup>۱</sup> . Money is Value in itself

<sup>۲</sup> . Money is Abstract Purchasing Power

<sup>۳</sup> . ما در ادامه و در ارائه شرح خود از ماهیت پول، با تفکیک دو سطح از چیستی پول این معما را خواهیم گشود.

- تفاوت بین منشأ اعتباردهی به پول جدید و قدیم در بیان نویسندگان هم با واقعیات تاریخی در تعارض است، و هم با جمله قبلی نویسندگان. عدم توجه استفاده‌کنندگان به خراش روی سکه در واقع حاکی از آن است که آنچه مردم را در خصوص ارزش مبادله‌ای مسکوکات مطمئن می‌ساخته، پذیرفتگی آن از سوی دیگران بوده که منشأ نهایی آن اعتبار ناشر است. معرفی خصوصیت ذاتی سکه [اطلا بودن] به عنوان مقوم حفظ ارزش مبادله‌ای، در تعارض با استفاده از مسکوکات خراشیده از سوی آنان است. تنها پذیرش پول به‌مثابه اعتباری مجزا از خصوصیت مادی آن است که قادر است علت پذیرش مسکوکات خراشیده یا مهمتر از آن مسکوکات کاهش ارزش داده‌شده در گذشته را توضیح دهد.

یوسفی (۱۳۷۷) در تحقیق خود در تبیین پول‌های فلزی و اسکناس (پول‌هایی که دارای مابه‌ازای ملموس و عینی هستند) و پول بانکی (که فاقد این مابه‌ازای عینی است) دو مسیر مختلف می‌پیماید و در نهایت به این تعریف از پول می‌رسد که «پول شیئی فیزیکی دارای ارزش مبادله‌ای عام، یا شیء غیرفیزیکی که خود فی‌نفسه ارزش مبادله‌ای عام است، می‌باشد» (یوسفی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۰). او در توضیح این تعریف بیان داشته که در پول فلزی و اسکناس اشیایی با ضمیمه ارزش مبادله‌ای عام به عنوان پول پذیرفته می‌شوند اما در پول تحریری خود آن ارزش مبادله‌ای عام بدون هیچ ضمیمه‌ای پول است. وی پذیرفته‌بودن تمامی اشکال پول را نیازمند توافق عمومی توسط عرف و عقلا دانسته و تأثیرگذاری دولت بر اعتبار پول کاغذی را رد می‌کند (همان، ۱۳۷۷، ص ۱۳۸). در ارزیابی تلاش یوسفی باید به نکات زیر اشاره کرد:

- ارائه دو تعریف در باب پول (به نحوی که یکی پول فلزی و اسکناس را و دیگری پول بانکی را توضیح دهد) حاکی از عدم ارائه تبیینی مشترک و شامل از چیستی پول است زیرا پول فلزی، اسکناس و پول بانکی همگی در ویژگی «پول بودن» مشترک‌اند و تعریف صحیح از پول باید همه آنها را پوشش دهد.

- تعریف دوم نویسنده که وی آن را برای تبیین پول بانکی (تحریری) ارائه کرده (پول [بانکی] شیء غیرفیزیکی که خود فی‌نفسه ارزش مبادله‌ای عام است) نیز با همان انتقاد قبلی روبه‌روست، یعنی پول در معنای متعارف عیناً همان ارزش مبادله‌ای عام نیست.

- مردود دانستن اهمیت اعتبار دولت در اعتبار پول‌های رایج به زعم ما نادرست است. معرفی «عرف» به عنوان منشأ ارزشمندی (پذیرفتگی) پول به این معناست که پول از سوی یک فرد پذیرفته می‌شود چون می‌داند دیگران هم پول را از او می‌پذیرند. اما این نوع اتکا به عرف نمی‌تواند توضیح دهنده پذیرفتگی پول باشد زیرا اولاً سؤال می‌شود که دیگران به چه

دلیل چنین می‌کنند؛ و ثانیاً توضیح نمی‌دهد به چه علتی در برخی موارد توافق عرف و عقلاً روی پول بودن چیزی ساقط می‌شود، مانند اینکه مردم در برخی جوامع به جای پول‌های رایج کشور خود از دلار استفاده می‌کنند (دلاریزه‌شدن<sup>۱</sup>) که پاسخ، چیزی جز ساقط شدن اعتبار ناشر (دولت) نیست. پذیرفتگی هماهنگ‌نشده و خودجوش دلار هم به اعتبار ناشر آن بازمی‌گردد، نه توافق عمومی عرف و عقلاً. به عکس آنچه نویسنده با کاربرد عبارت «توافق عمومی عرف و عقلاً» القا می‌کند، هیچ توافق صریحی موجب اعتبار ارزش برای پول نشده بلکه معنای توافق تنها به معنای پذیرش ضمنی پول توسط عموم مردم می‌باشد که مؤخر است بر اعطای اعتبار بدان از سوی دولت.

توسلی (و همکاران) (۱۳۸۴ و ۱۳۹۱) (دومی با همکاری دیگران) درصدد ارائه و نقد دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی و غربی در باب پول برآمد. با توجه به اینکه بیان وی عمدتاً ارائه شرحی از نظرات موجود و نقد آنان بوده، تنها به ذکر دو نکته در باب آثار وی اکتفا می‌کنیم: اولاً شرح نویسندگان از نظریه‌های ارائه شده در خصوص ماهیت پول در غرب نشان می‌دهد که رجوع آنان به نظریات دگراندیش (اعتباری) پول کافی و جامع نبوده و لذا این قضاوت نویسنده که «هیچ تبیینی رضایت‌بخش از ماهیت پول در غرب و در مطالعات داخلی ارائه نشده» (توسلی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۳۸) را باید قضاوتی عجولانه دانست. توجه نویسنده به اینکه عرف در ماهیت پول «مال» و «مالیت» را یکسان ندانسته و آن دو را از هم تفکیک می‌کند یا به تعبیر دیگر «برای پول ذاتی قائل است که آن ذات وصف مالیت دارد» (همان) نیز تأملی دقیق است که اشاره ما به عدم این‌همانی بین «پول» و «ارزش مبادله‌ای» دقیقاً ناظر به همین نکته است.

اشارات پراکنده دیگری نیز در خصوص ماهیت‌شناسی پول توسط صاحب‌نظران داخلی صورت گرفته است از جمله استاد شهید مطهری ارزش پول را به قابلیت آن در کسب دیگر اموال منتسب کرده؛ بر خلاف ارزش کالا که در سلسله علل مبادلات است ارزش پول را در سلسله معلولات مبادله می‌داند (مطهری، ۱۳۸۰ (۱۳۶۴)، ص ۱۷۵). اما اینکه ارزش پول (منظور نویسنده «ارزشمندی» پول است) ناشی از قابلیت آن در کسب دیگر اموال است، تبیینی است که در عین صحت، بیانی صحیح از منشأ اصلی (نهایی) پذیرفتگی پول نیست زیرا این سؤال مطرح می‌شود که چرا یک تکه کاغذ چنین قابلیت یافته، که طبیعتاً باید به پذیرش عمومی مبتنی بر اعتبار ناشر اشاره کرد. از این رو بیان ما علت اصلی و بنیادین ارزش پول را می‌رساند.

<sup>۱</sup> . Dollarization



اما اینکه «ارزش پول در سلسلهٔ معلولات مبادله است» اگر منظور این باشد که ارزش پول از مبادله اخذ شده است کلامی نادرست یا غیردقیق است زیرا ارزش یافتن کاغذ یا بدهی بانک فی نفسه مستقل از مبادله است و به اعتبار ناشر و پذیرفتگی این بدهی به عنوان حامل ارزش توسط عموم بازمی‌گردد. اینکه بپذیریم که نیاز به مبادله سبب زمینه‌سازی برای ابداع و توسعهٔ پول شده غیر از آن است که گفته شود ارزش پول معلول مبادله است.

مجاهدی و همکاران (۱۳۹۲) علی‌رغم انتخاب یک عنوان چشمگیر برای مطالعهٔ خود، تبیینی منظم و منسجم از ماهیت پول ارائه نکرده و به نظر می‌رسد عمدهٔ مباحث آنها خارج از چارچوب عنوان مقاله (بیشتر مربوط به موضوع خلق پول) و در بسیاری از بخش‌ها نامفهوم است. ضعف فاحش مطالعه، نام‌گذاری نظریات چند نویسنده غربی به عنوان «رویکرد غربی به پول» است که به اتکای آن در یک قضاوت عجیب، تفاوت نگاه اندیشمندان اسلامی با غربی در توجه به ماهیت پول معرفی شده (مجاهدی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۲۵) و متفکران غربی صرفاً نظریه‌پرداز در حوزهٔ کارکردهای پول و فاقد ورود به ماهیت‌شناسی پول تلقی شده‌اند! این حاکی از عدم اطلاع نویسندگان از ادبیات موضوع در بین نحله‌های مختلف نظریه‌پردازی پولی در غرب است.<sup>۱</sup>

## ۶- ارائهٔ تعریفی از پول

مباحث فوق که بیانی موجز از اهم دیدگاه‌های متفکران غربی و داخلی در باب مسائل مربوط به چیستی پول بود، ما را به سوی ارائهٔ شناختی از پول هدایت می‌کند. در ارائهٔ این تعریف از پول باید واقعیات زیر را مدنظر داشت:

- ماهیت پول چیزی غیر از مادهٔ پولی (فلز، کاغذ اسکناس، ...) است. آنچه به پول ارزش می‌دهد، ماده‌ای که پولیت بر آن وضع شده نیست.
- تعریف پول باید شامل تمامی مصادیق آن باشد و نباید برای انواع مصادیق پول تعاریف جداگانه ارائه کرد که این به معنای عدم ارائهٔ تعریفی صحیح از پول است
- در پول‌شدن پول، اعتبار ناشر نقشی کلیدی دارد
- در معنای متعارف، پول دارای ذاتی غیر از مالیت (ارزش مبادله‌ای یا قدرت خرید) است. در واقع ارزش مبادله‌ای و قدرت خرید بر آن ذات حمل شده است

<sup>۱</sup> انتخاب این مقاله به عنوان مقالهٔ برتر بانکداری اسلامی در سال ۹۲ نیز در جای خود جالب توجه است.

- همه پول‌ها بوسیله روابط بدهی - اعتبار بوجود آمده و رابطه‌ای اجتماعی با سه طرف (دارنده پول، پذیرنده پول و ناشر معتبر) است  
بر اساس آنچه از ادبیات موضوع برداشت می‌شود، باید بین مفهوم جوهری و اولیه پول و آنچه در عرف از پول برداشت می‌شود تفاوت قائل شد. در حقیقت ما برای پول یک مفهوم اصلی و اولیه قائلیم (که مراد عرف از پول آن نیست) و یک مفهوم رایج و عرفی. ما این دو معنا و مفهوم را به دو سطح تلقی از پول بازمی‌گردانیم.

#### ۶-۱- سطح اول: مفهوم جوهری پول

تعریف ما از جوهره پول این است:

«پول معیاری انتزاعی برای بیان ارزش‌ها - قیمت‌ها و بدهی‌ها- است»

به عبارت دیگر مفهوم اولیه پول همان «معیار انتزاعی ارزش» یا «نمایشگر ارزش» یا همان «پول محاسباتی» به تعبیر کینز است. پول همان مفهومی است که بدهی افراد به یکدیگر را اندازه‌گیری می‌کند؛ پول همان چیزی است که قیمت یک کالا بر حسب آن بیان می‌شود. پول در این معنا یک استاندارد انتزاعی ثالث است که مقایسه دو کالا با ارجاع به این معیار صورت می‌گیرد.

در این سطح تلقی، پول قابل مقایسه است با واحدهای سنجش طول و وزن (متر، گرم، ...). پول معیار انتزاعی اندازه‌گیری ارزش است، همانطور که متر و گرم معیار انتزاعی سنجش طول و وزن. توجه شود که مفاهیم انتزاعی طول و وزن را می‌توان بر شیئی در جهان خارج وضع کرد (مانند کاربرد پاره‌ای آهن به عنوان وزنه ترازو)، به همین نحو کارکرد پول را نیز می‌توان بر شیئی در جهان خارج (سکه، اسکناس، ...) وضع کرد، اما مفهوم پول در این سطح چیزی غیر از اسکناس و مسکوک و ... است همانطور که مفهوم انتزاعی گرم، چیزی غیر از وزنه آهنی است.

#### ۶-۲- سطح دوم: معنای عرفی پول

همانطور که گفته شد، عرف پول را وجودی دارای ارزش تلقی می‌کند که ارزش این وجود ارزشمند بر حسب پول محاسباتی اندازه‌گیری شده است. به عبارت دیگر در عرف پول «چیزی» است که واجد خصوصیتی از جمله داشتن ارزش مبادله‌ای خالص است. این سطح تلقی از پول پایینتر از سطح قبلی است. همانطور که گفته شد، در معنای اولیه، سکه و اسکناس پول نیستند بلکه پول همان معیار انتزاعی ارزش است، اما در عرف پول به سکه و اسکناس و اعداد

موجود در حساب بانکی اطلاق می‌شود. لذا ما در سطح دوم باید تعریفی از پول متناسب با این تلقی رایج و عرفی ارائه کنیم:

«پول نشانگر<sup>۱</sup>ی دال بر دین ناشر به پذیرنده است که دارای ارزش مبادله‌ای خالص است»؛ یا «پول نشانگر بدهی ناشر (بدهکار) به پذیرنده (بستانکار) است که این بدهی بر حسب پول محاسباتی (معیار انتزاعی ارزش) بیان شده و به پشتوانه مقبولیت ناشی از اعتبار ناشر دارای مقبولیت عام (قدرت خرید) می‌گردد».

ذکر چند نکته در توضیح تعاریف فوق الزامی است:

- تفکیک ما بین دو سطح تلقی از پول ناشی از این است که ارائه تعریفی که بتواند پوشش‌دهنده این دو سطح متفاوت از معنای پول باشد غیرممکن است. دوگانگی موجود در بیان نظریه پردازان اعتباری ریشه در همین دارد، چنانکه از یک سو پول «ارزش فی نفسه»، «نمایشگر ارزش انتزاعی» و «ارزش اشیا به دور از خود آنها» تعریف شده (سطح اول تعریف پول در بیان ما)، و از سوی دیگر نوعی «تعهد به پرداخت» و «طلبی از جامعه» معرفی شده است (سطح دوم) که این دو تعبیر را نمی‌توان یکسان دانست. واقعیت آن است که پول در معنای جوهری و اولیة خود «استانداردی برای نمایشگری ارزش‌ها» است؛ اما تلقی پول به عنوان «تعهد به پرداخت» یا «طلبی از جامعه» ناظر بر شناخت عرفی از آن. در سطح اول بین «پول» و «ارزش مبادله‌ای» این‌همانی برقرار است (پول همان ارزش مبادله‌ای است) اما در سطح دوم پول «چیز» یا «ذاتی» است که دارای وصف ارزش مبادله‌ای است. این تمایز، چیزی است که در ادبیات موضوع نظریه پردازان اعتباری و برخی مطالعات داخلی از آن غفلت شده است.

- همانطور که از تعریف ناظر بر فهم عرفی از پول برمی‌آید، ذات و ماهیت پول به زعم ما همان «بدهی (طلب)» است. این دیدگاه برگرفته از تلقی زیمل از پول به عنوان «طلبی از جامعه»<sup>۲</sup> و اینگهام به مثابه یک «تعهد/قول به پرداخت»<sup>۳</sup> است.<sup>۴</sup> آنچه به تعاریف نظریه پردازان اعتباری افزودیم این است که ما پول را «نشانگر» یا «دلالت‌کننده» بدهی دانستیم نه خود آن

1. Signifier

2. Money is a Claim upon Society

3. Money is a Promise to Pay

۴. شایان ذکر است توسلی (۱۳۸۴) بعد از تأکید بر تمایز بین ذات پول و مالیت آن، به احتمال «دین» بودن ذات پول که موصوف به صفت مالیت شده اشاره‌ای می‌کند: «عرف و عقلا لفظ و عنوان مال را برای اشاره به ذات شیئی که متصف به وصف مالیت یا ارزش مبادله‌ای شده به کار می‌برند. آن ذات و شیء یا عین خارجی است یا کلی فی‌الذمه مانند دین ...» (۱۳۷۹:۱۲۵ تأکید اضافه شده است)

بدهی. در واقع اگرچه قوام پول (آنچه پول را پول می‌کند) یک بدهی مقبول است، اما در فهم عرفی، پول نشانگر یا سندی دال بر آن بدهی مقبول است. این کارکرد «نشانگری» می‌تواند بر طلا، کاغذ یا بر اعداد و ثبت‌های دیجیتال وضع شود. عرف وقتی سخن از پول می‌کند، مرادش نشانگر یک بدهی (طلب) مقبول، بیان‌شده بر حسب پول محاسباتی، و قابل انتقال به غیر است.

- پول در معنای اول هیچ مابه‌ازای عینی ندارد و صرفاً ارزش انتزاعی است. اما در معنای دوم پول دارای مابه‌ازای عینی است ولو امروزه به شکل بیت کامپیوتری در ثبت‌های حسابداری.

- پول (به‌مثابه نشانگر بدهی) یک وجود ذهنی (اعتباری) یا یک «نهاد» است. توجه شود که با اینکه ماده‌ای که «نشانگر» بدهی از آن ساخته شده دارای عینیت است (طلا، کاغذ، بیت کامپیوتر) لیکن «کاغذبودن» و «طلابودن» غیر از «پول‌بودن» است، و کارکرد پولی بر کاغذ، طلا و بیت کامپیوتر وضع شده است. «پول» در معنای دقیق به لحاظ هستی‌شناختی<sup>۱</sup> یک وجود ذهنی<sup>۲</sup> است زیرا آنچه دارای عینیت است، ماده پولی (کاغذ و طلا، بیت کامپیوتر) است. چیزی که پول را بدل به پول کرده عبارت است از وضع کارکرد بر یک ماده توسط ناشر معتبر و پذیرش (ضمنی) جمعی آن. این خاصیت نهادهاست که هر قدر به لایه‌های پایینی ذهن رجوع می‌کنیم درمی‌یابیم که «نشانگر» در قوام آن نهاد اصالت ندارد. البته نهادها (من جمله پول) به لحاظ معرفت‌شناختی<sup>۳</sup> دارای عینیت هستند، به این معنا که فهم و شناخت مشترک بین‌الذهانی از آن وجود دارد<sup>۴</sup>.

- تعریف ما از پول هم توضیح دهنده ماهیت پول فلزی، هم اسکناس و هم پول رایج بانکی است. به زعم ما تمامی این انواع پول ذاتاً نشانگری از رابطه بدهی-اعتبار موجود بین یک «ناشر و پذیرنده» است که بر حسب پول محاسباتی (مفهوم اولیه پول) بیان شده و به سبب پذیرفتگی عمومی ناشی از اعتبار ناشر، نشانگر آن بدهی به صورت عام پذیرفته شده و دارای ارزش مبادله‌ای می‌گردد. مسکوکات و اسکناس نشانگری از تملک بدهی دولت، و اعداد موجودی سپرده بانکی نیز نشانگری از تملک بدهی بانک است. از این رو تعریف ما جامع تمامی مصادیق پول است.

۱. Ontologically

۲. Subjective

۳. Epistemologically

۴. برای توضیح مفصل در خصوص تفاوت عینیت و ذهنیت از حیث وجودی و معرفتی رجوع شود به جان محمدی و

عبداللهی (۱۳۹۰)

• تعریف ما از پول، پول‌های کالایی مربوط به ادوار دور زندگی بشر (مانند نمک، احشام، ...)، که خلق نوعی بدهی مبتنی بر اعتبار ناشر نیست، را پوشش نمی‌دهد زیرا این نوع مبادلات (با استفاده از یک واسطه کالایی) را باید نوعی تهاتر پیشرفته و نه یکی از اقسام مبادلات پولی دانست. این کالاها در معنای دقیق کلمه «واسطه مبادله» و نه «پول» بوده‌اند (اینگهام، ۲۰۰۴م، ص ۶۹). این ادعای ما کاملاً هم‌راستاست با این ایده کینز که «اگر چیزی به عنوان یک واسطه مبادله راحت برای مبادلات نقدی و روزمره استفاده شود، ممکن است به پول بودن نزدیک شده باشد اما اگر تمام مطلب همین باشد ما چندان از مرحله پایاپای خارج نشده‌ایم» (کینز، ۱۹۳۰م، ص ۳).

## ۷- خلاصه و جمع‌بندی

ادبیات موضوع هستی‌شناسی پول حاکی از وجود دیدگاه‌هایی رقیب در ارائه شرحی از چیستی پول است. دو دیدگاه موجود که آنها را «نظریه کالایی» و «نظریه اعتباری» پول نامیدیم، هر یک تفسیرهایی مجزا و سازگار در باب مهمترین مسائل هستی‌شناسانه پولی (ماهیت، ارزش و کارکرد محوری پول) بیان داشته‌اند. نظریه کالایی، پول را کالایی مشابه دیگر کالاها می‌پندارد که در اصل تحت فعل و انفعالات بازاری بدل به واسطه مبادله شده؛ ارزش آن به ارزش کالایی (یا ارزش کالایی پشتوانه آن) منتسب شده؛ و کارکرد اصلی آن «واسطه مبادله» است. نظریه اعتباری، با جداسازی مفهوم پول از ماده پولی، آن را یک «نمایشگر انتزاعی از ارزش» و یک «مطالبه از جامعه» یا «تعهد به پرداخت بین انسانها» می‌داند که وجود و ارزش آن متوقف بر روابط اجتماعی و عرف و قرارداد است. ارزش پول نیز در یک سطح به اطمینان فرد از پذیرش عمومی آن و البته در اصل به اعتبار و مرجعیت دولت بازمی‌گردد؛ در بین کارکردهای پول نیز آنچه اولی است، نقش پول به عنوان «واحد محاسبه ارزش» است. ارزیابی ما از این مجادله نشانگر قوت بالاتر نظریه اعتباری در ارائه فهمی از چیستی پول است، اگرچه اشکالات و ناسازگاری‌هایی نیز در کلام این گروه مشاهده می‌شود که مهمترین آنها دوگانگی تعاریف ارائه شده از ماهیت پول است. در مطالعات داخلی و مشخصاً در ادبیات اقتصاد اسلامی نیز نظریه‌پردازی‌هایی در باب چیستی پول وجود دارد که در عین وجود نقاط قوت، هر یک کمابیش دارای کاستی‌هایی است که آنها را می‌توان شامل عدم ارائه تعریفی واحد از پول، عدم این‌همانی تعاریف ارائه شده، عدم درک صحیح از منشأ ارزش‌یابی پول و عدم رجوع کافی به ادبیات نظریه اعتباری دانست.

ما در تلاش خود جهت ارائه فهمی از پول با در نظر داشتن ملاحظاتی که برآمده از آگاهی از کاستی‌های تعاریف موجود در ادبیات موضوع بود، بر تفکیک دو سطح تلقی از پول - سطح جوهری پول و سطح عرفی آن - تأکید کرده؛ پول را در معنای جوهری و اولیه همان «معیاری انتزاعی از ارزش» یا «مفهومی برای اندازه‌گیری ارزش‌ها» دانستیم و فهم صحیح عرفی از پول را «نشاندگی از یک طلب که بر حسب پول محاسباتی بیان شده و دارای قدرت خرید به پشتوانه مقبولیت ناشی از اعتبار ناشر است» معرفی کردیم. به زعم ما این تفکیک بین دو سطح تلقی از پول، از عدم این‌همانی تعاریف و دوگانگی موجود در کلام نظریه‌پردازان اعتباری و برخی مطالعات داخلی رمزگشایی کرده و تمامی مصادیق پول (غیر از واسطه‌های مبادله کالایی در ادوار بسیار دور زندگی بشر که ما آن را مصداق مبادلات پولی نمی‌دانیم) را پوشش می‌دهد.

## منابع

۱. توسلی، محمداسماعیل، بررسی و نقد نظریات برخی از اندیشه‌وران اسلامی درباره ماهیت پول، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۹، ۱۳۸۴، ۱۵۱-۱۲۳.
۲. توسلی، محمداسماعیل؛ کمیجانی، اکبر؛ عربی، هادی (۱۳۹۱)، بررسی و نقد نظریه‌های اندیشه‌وران اقتصادی غرب درباره ماهیت پول، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال هفدهم، شماره ۵۱، ۱۳۹۱، ۱۵۵-۱۳۷.
۳. جان محمدی، محمدتقی و عبداللهی، محمد علی (۱۳۸۹)، واقعیت‌های نهادی از دیدگاه جان سرل، متافیزیک، سال دوم، شماره ۶ و ۵، ۲۲-۱.
۴. شومپتر، جوزف، تاریخ تحلیل اقتصادی، ترجمه فریدون فاطمی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰ [۱۹۵۴م].
۵. مجاهدی مؤخر، محمداسماعیل؛ دلالی اصفهانی، رحیم؛ صمدی، سعید؛ بخشی، رسول (۱۳۹۲)، بررسی دیدگاه غربی و رویکرد اسلامی به ارتکاز ذهنی از ماهیت پول و اعتبار، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۶۵، ۱۳۹۲، ۲۳۰-۲۰۱.
۶. مطهری، مرتضی، ربا، بانک، بیمه تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۰ [۱۳۶۴].
۷. یوسفی، احمدعلی، ماهیت پول و راهبردهای فقهی و اقتصادی آن، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۷.

۸. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها ، پول در اقتصاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۴.

9. Ball M. Laurence, **Money, Banking, and Financial Markets**, 2nd ed., Worth Publishers, 2011.
10. Fisher, I., **The Purchasing Power of Money: its determination and relation to credit, interest and crises**, New York: Macmillan, 1911/1931.
11. Goodhart, A.E. Charles, The two concepts of money: implications for the analysis of optimal currency areas, **European Journal of Political Economy**, 14, 1998, 407–432.
12. Harris, L., **Monetary Theory**, McGraw-Hill Book company, New York, 1981.
13. Hicks, J. R., **Critical Essays in Monetary Theory**, Clarendon press, Oxford, 1967.
14. Hülsmann, Jörg Guido, **The Ethics of Money Production**, Ludwig von Mises Institute, 2008.
15. Ingham, G., Money is a Social Relation, **Review of Social Economy**, 64, 4, 1996, 507–29.
16. Ingham, Geoffrey, Babylonian madness: on the historical and sociological origins of money, in J. Smithin (ed.) **What is Money?**, London New York: Routledge, 2002, 16-41.
17. Ingham, G. K., **The Nature of Money**, Cambridge: Polity Press, 2004.
18. Innes, A.M., **What is Money?**, *Banking Law Journal*, May, 1913, 377–408.
19. Keynes, J.M, **A Treatise on Money** (2 vols), London: Macmillan, 1930.
20. Knapp, G.F., **The State Theory of Money**, New York: Augustus M.Kelley, 1924 [1905].
21. Lau, J.Y.F., and Smithin J., The role of money in capitalism, **International Journal of Political Economy**, 32, 3, Fall, 2002, 5-22.
22. Searle R. John, **The Construction of Social Reality**, New York, Free Press, 1995.

23. Seccareccia Mario, & Parguez Alain, The credit theory of money: the monetary circuit approach, in J. Smithin (ed.) **What is Money?**, London New York: Routledge, 2002, 16-41.
24. Simmel, G., **The Philosophy of Money**, London: Routledge, 1978 [1907].
25. Walras, L., **Elements of Pure Economics or the Theory of Social Wealth**, London: George Allen & Unwin, translation by W. Jaffé, 1954 (1874).
26. Wray, L. Randall, Modern money, in J. Smithin (ed.) **What is Money?**, London New York: Routledge, 2002, 42-66.



## **Critical evaluation of existing approaches to ontology of money; offering an alternative interpretation**

Hassan Sobhani, Professor of Economics, University of Tehran

Hossein Doroodian, P.h.D student of University of Tehran

### **Abstract**

Ontology of money's Literature mainly incorporates debates Between two approaches we call "Commodity Theory" and "Credit Theory" of Money on Nature of Money, Value of Money, And its central Function. Commodity Theory Defining Money as a Commodity Among Others, Referring its Value to its Intrinsic (consumption) value, emphasizes on "Medium of Exchange" as Main Function of Money. Credit Theory, On the other side, Describes Money as "Representative of Abstract Value", "a Promise to Pay", "a Claim upon Society", Which is a Social, not Economic, existence. The value of Money, in credit Approach, is Referred to its Public Acceptance and, in a Deeper Analysis, to creditworthiness of issuer; While Unit of Account introduced as The Main Function of Money. there are also theories about the nature of money In the domestic literature (of Islamic Economics). Separating two Levels of Money's understanding, We Define Money's Essential concept as "abstract Measure of Value" or a concept for measuring value; While The Correct Conventional understanding of Money is "a Debt Represented in unit of Account terms Having accepted and Aailed Due issuer's creditworthiness". The Above Separation rectifies Ambiguity and Duality of Definitions of Credit Theorists of Money.

**Keywords:** Money, Ontology, Commodity Theory, Credit Theory

**JEL Classification:** E12, E42, N10